

است. همچنین از المزار مشهدی (ص ۶۴۶، ۷۷۴) برمی آید که مؤلف آن در ۵۶۹ و ۵۷۳ ق از ابوالبقاء استفاده برده است. نیز می دانیم که پسر وی جعفر بن هبة الله از راویان او به شمار می رود (حر عاملی، ۳۴۴/۲). نام آورترین افراد این خاندان اینانند:

۱. ابو ابراهیم (یا ابوجعفر) محمد بن جعفر بن محمد (هبة الله) ابن نما، ملقب به نجیب الدین (د ذیحجه ۶۴۵ / آوریل ۱۲۴۸). از جزئیات زندگی و تحصیل او آگاهی دقیقی در دست نیست. تنها از آن رو که سن وی را در هنگام مرگ ۸۰ سال ذکر کرده اند (نکا: امین، ۲۰۳/۹)، احتمالاً حدود ۵۶۵ ق متولد شده است. از اسناد برخی روایات نیز برمی آید که وی از افرادی چون ابوالفرج علی بن سعید زاوندی (ابن طاووس، علی، فتح ابواب، ۱۳۱، ۱۳۴)، ابن ادریس حلی (ابن طاووس، عبدالکریم، ۴۸، ۷۲، ۸۷)، محمد بن جعفر مشهدی (همو، ۱۱۲)، عمیدالروساء هبة الله بن حامد، برهان الدین محمد قزوینی و نیز از پدر خود جعفر بن نما (مجلسی، ۴۷/۱۰۷، ۵۲؛ توری، ۴۷۷/۳) روایت کرده است.

از شاگردان و راویان نجیب الدین می توان علی ابن طاووس که به گفته خود (الدروع الواقیة، ۷۵) از نجیب الدین اجازه روایت داشته و نزد او فقه آموخته است، همچنین احمد بن طاووس، ابن علقمی وزیر، محقق حلی، سدیدالدین یوسف بن علی حلی، یحیی بن سعید حلی و نیز فرزندش جعفر را نام برد (ابن طاووس، عبدالکریم، ۴۸؛ ابن فوطی، ۴ (۱) / ۳۳۲ - ۳۳۳؛ حر عاملی، ۳۱۰/۲؛ مجلسی، ۴۴/۱۰۵، ۲۱/۱۰۶).

گرچه در منابع گفته شده که وی دارای تألیفاتی بوده است (نکا: حر عاملی، همانجا)، اما حتی نام این تألیفات نیز در دست نیست. نجیب الدین بنا به نقل امین (همانجا) در حله درگذشت و در کربلا به خاک سپرده شد. همو اضافه کرده که ابن علقمی وزیر به رئای او پرداخت.

۲. جعفر بن محمد بن جعفر بن محمد (هبة الله) ابن نما، ملقب به نجم الدین (د ح ۶۸۰ ق / ۱۲۸۱ م). از زندگی و استادان وی اطلاع چندانی در دست نیست، جز اینکه نوشته اند، از یحیی بن سعید حلی و نیز از پدر خود نجیب الدین محمد بن جعفر روایت کرده است (مجلسی، ۲۱/۱۰۶؛ افندی، ۱۱۱/۱).

در میان شاگردان و روایت کنندگان از وی باید علامه حلی و نیز برادر خودش نظام الدین احمد را نام برد (خوانساری، ۱۷۹/۲ - ۱۸۰؛ توری، ۴۴۳/۳). محمد بن حسن بن محمد بن مهتدی نیز در ۶۷۰ ق از او اجازه روایت دریافت کرده است (آقا بزرگ، ۳۱).

وی شعر نیز می سرود و اشعارش درباره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در برخی منابع، از جمله تألیفات خود او نقل شده است (نکا: امین، ۱۵۷/۴).

باز از آنهمه اثر چیز عمده ای بر جای نمانده است. تنها شمار اندکی از این قطعه ها در مجموعه های خطی (نکا: ملی تبریز، ۱۰۲۹/۳، ۱۰۳۲؛ ملی، ۷۲/۲ - ۷۳؛ کاتالوگوس، ۲۹۸) آمده است. دیگر آثار او اینهاست: ۱. عبرة اللیب بعثرة الکئیب، رساله ای ادبی است که به شیوه مقامات و به تقلید از رساله علاء الدین علی بن عبدالظاهر به نام مراتع الغزلان تألیف شده و نسخه ای از آن در ترکیه، مجموعه راغب پاشا موجود است (نکا: ششن، ۶/۳)؛ ۲. منازل الاحیاب و منازل الالیاب. این کتاب شامل سخنانی است که میان مؤلف و معاصرانش رد و بدل شده است و در انتساب آن به ابن نقیب تردید نیست، به خصوص که صفدی آن را در اختیار داشته و آنچه را در تذکره خود نقل کرده، از آن کتاب برگزیده است (الواقی، همانجا؛ نیز قس: ابن شاکر، همان، ۳۲۴/۱؛ حاجی خلیفه، ۱۸۲۷/۲). اما تا آنجا که ما اطلاع داریم، امروز از این کتاب اثری بر جای نمانده است. کتاب دیگری به همین نام، اثر شهاب الدین محمود (د ۷۲۵ ق) در نور عثمانیه موجود است که بروکلیمان (GAL, S, I/467, II/43) معرفی کرده و احتمالاً غیر از منازل ابن نقیب است. با اینهمه، از آنجا که ابن نقیب و شهاب الدین با یکدیگر دوستی نزدیک داشته اند (ابن تغری بردی، النجوم، ۳۷۶/۷)، اختیار یک نام برای دو کتاب غریب می نماید.

ماخذ: ابن تغری بردی، المنهل الصافی، به کوشش نبیل محمد عبدالعزیز، قاهره، ۱۹۸۵ م؛ همو، النجوم؛ ابن شاکر کنی، محمد، عیون التواریخ، حوادث ۶۸۳ - ۷۰۵ ق، نسخه عکسی موجود در کتابخانه مرکز؛ همو، همان، ج ۲۰، به کوشش فیصل سامر و نیله عبدالمنعم داوود، بغداد، ۱۹۸۰ م؛ همو، نوات الوقیات، به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۹۷۲ - ۱۹۷۴ م؛ ابن فضل الله عسری، احمد بن یحیی، مسالک الابصار، به کوشش فواد سزگین، فرانکفورت، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۸ م؛ حاجی خلیفه، کشف ششن، رمضان، نوادر المخطوطات العربیة، بیروت، ۱۴۰۲ ق / ۱۹۸۲ م؛ صفدی، خلیل بن ابیک، تمام المتون فی شرح رساله ابن زیدون، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۸۹ ق / ۱۹۶۹ م؛ همو، الفیت المسجم فی شرح لامیه المعجم، بیروت، ۱۳۹۵ ق / ۱۹۷۵ م؛ همو، نصره النائر علی المنل السائر، به کوشش محمد علی سلطانی، دمشق، ۱۳۹۱ ق / ۱۹۷۱ م؛ همو، الواقی بالوقیات، به کوشش رمضان عبدالنواب، بیروت، ۱۳۹۹ ق / ۱۹۷۹ م؛ ملی، خطی؛ ملی تبریز، خطی؛ نیز:

Catalogus codicum manuscriptorum orientaliū, London, 1852; GAL, S, آذرتاش آذرتاش

ابن نما، عنوان افراد خاندانی امامی از عالمان و فقیهان حله که در سده های ۶ - ۸ ق / ۱۲ - ۱۴ م می زیسته اند. نیای بزرگ آنان نما پسر علی بن حمدون ربعی بود که با ابوعلی طوسی معاصر بوده است (خوانساری، ۱۸۰/۲؛ امین، ۱۵۶/۴). از پیشینیان این خاندان علی بن علی بن نما را می توان نام برد که از حسن بن علی بن حمزه اقساسی (د ۵۹۳ ق) روایت کرده و چنانکه از تنبیه ورام (ص ۳۰۳ - ۳۰۴) برمی آید، ابوالحسن علی بن ابراهیم عریضی از وی بهره برده است (نیز نکا: افندی، ۱۶۶/۴). دیگر عضو قدیم این خاندان ابوالبقاء هبة الله ابن نماست که در نخستین سند کتاب سلیم بن قیس هلالی (ص ۶۳) از او یاد شده است؛ طبق این سند ابوالبقاء کتاب مذکور را نزد ابو عبدالله حسین بن احمد بن طحال مقدادی در ۵۲۰ ق در نجف قرائت کرده

استماع او از ابو عبدالله محمد بن احمد صفوانی در ۳۵۲ ق در بصره و مکاتبه با حسین بن علی بزوفری در همان سال (همو، ۵۹) می‌تواند در تخمین دوره زندگی وی به کار آید.

ابن نوح بر اساس سندی در الغیبه طوسی (ص ۲۴۰) برای تحصیل و استماع حدیث سفری به مصر داشته است. همچنین از برخی محدثان مقیم بغداد، مانند ابوغالب زراری، ابن قولویه قمی و ابن داوود قمی که هر سه در ۳۶۸ ق در گذشته‌اند، ظاهراً به طور مستقیم روایت کرده است (نجاشی، ۳۰۲، ۳۴۴، ۳۸۵). نجاشی که احتمالاً وی را در بصره ملاقات کرده است، ضمن توثیق و تأکید بر اتقان وی در روایت، او را فقیهی بصیر به حدیث خوانده و از وی به «استاذنا» و «شیخنا» تعبیر کرده و چنانکه از عبارتش بر می‌آید از او بهره علمی بسیار برده است (ص ۸۶). همو در مواردی دیگر (ص ۸۲، ۳۷۳، جم) به ذکر نظرات رجالی ابن نوح پرداخته و او را مورد اعتماد دانسته است. طوسی نیز با اینکه تصریح می‌کند که ابن نوح را از نزدیک ندیده بوده، نقل کرده که وی در مسائل کلامی دارای نقطه نظرهایی خاص همچون قول به رویت خداوند بوده است؛ با این حال همو ابن نوح را در حدیث «واسع الروایة» خوانده و توثیق کرده است (رجال، ۴۵۶، الفهرست، ۳۷). از مشایخ ابن نوح باید محمد بن علی ابن بابویه قمی، حسن ابن حمزه طبری، احمد بن محمد بن یحیی عطار، ابوالحسن علی بن بلال مهلبی، محمد بن علی بن فضل بن تمام، احمد بن ابراهیم بن ابی رافع، احمد بن جعفر بن سفیان بزوفری، حسین بن علی ابن بابویه قمی و نیایش محمد بن احمد بن عباس را نیز نام برد (نجاشی، ۵۹، ۶۰، ۱۱۲، ۱۳۱، ۲۸۳؛ طوسی، رجال، ۵۰۸، الغیبه، ۲۲۶). از میان شاگردان و روایت‌کنندگان وی به غیر از نجاشی می‌توان از حسین بن ابراهیم قمی یاد کرد که طوسی به واسطه آواز ابن نوح روایت می‌کند (همان، ۱۷۸، جم). تاریخ درگذشت وی دانسته نیست، ولی به نظر می‌آید که در ۴۰۸ ق، سال ورود طوسی به بغداد، هنوز در قید حیات بوده و تألیف الفهرست طوسی چندان فاصله‌ای از وفات او نداشته است (نک: همو، الفهرست، ۳۷).

آثار: ابن نوح آثار بسیاری داشته که اخبار الولاة الاربعة یا اخبار الايواب معروف‌ترین آنهاست. این کتاب مورد استفاده بسیار طوسی در الغیبه واقع شده و یکی از معدود منابعی است که اطلاعات با ارزشی درباره دوره غیبت صغری و نواب چهارگانه و نیز در مورد کسانی که خود را باب امام غایب (ع) می‌دانستند، به دست می‌دهد (نک: نجاشی، ۸۷؛ طوسی، الغیبه، ۱۷۸، جم؛ نیز نک: ابن ساورس، ۵۲۱ - ۵۲۲، که روایتی از طریق ابن نوح در خصوص مسائل غیبت نقل کرده است). ابن نوح در این کتاب بیش از هر چیز روایات ابن برنیه هبة الله ابن احمد کاتب را که از شیوخ وی بوده، اساس کار خود قرار داده است (نجاشی، ۴۴۰؛ قس: طوسی، همان، ۲۲۶، جم). از دیگر آثار اوست: التعقیب والتعغیر؛ القاضی بین الحدیثین المختلفین؛ المصایب، در ذکر روایت‌کنندگان هر یک از ائمه (ع) و نیز کتابی در تکمیل تألیف

آثار: مثير الاحزان و منیر سبل الاشجان، در شرح مقتل امام حسین (ع) و یاران آن حضرت. این کتاب در ۱۳۱۸ ق به صورت سنگی همراه باقره العین فی اخذ ثار الحسین (ع) در تهران؛ در ۱۳۲۶ ق همراه با مقتل ابومخنف و اللهوف علی ابن طاووس در بمبئی؛ در ۱۳۶۹ ق با مقدمه‌ای از عبدالمولی طریحی در نجف و اخیراً در قم (۱۴۰۶ ق) به کوشش مؤسسه امام مهدی (ع) به چاپ رسیده است. افندی (همانجا) احتمال داده که التهاب نیران الاحزان عنوان دیگر مثير الاحزان باشد، ولی با توجه به اطلاعاتی که فیض کاشانی در خصوص کتابی با این نام داده (نک: علم‌الیقین، ۶۳۲/۲، المحجة البيضاء، ۲۳۶/۱)، در گفته افندی باید تردید کرد. اثر دیگر وی رساله‌ای است با عنوان شرح النار فی احوال المختار، که علامه مجلسی آن را در بحار الانوار (۳۴۶/۴۵ - ۳۸۷) آورده است. خوانساری (۱۷۹/۲) کتاب دیگری با عنوان منهج الشیعة فی فضائل وصی خاتم الشریعة نیز به وی نسبت داده است. نجم‌الدین ابن نما، به گفته ابن فوطی، در ذم برادرش علم‌الدین اسماعیل مقامه‌ای مشتمل بر نثر و نظم انشا کرده و نسخه‌ای از آن را به خط خویش برای ابن فوطی ارسال داشته است (۴ (۱) / ۵۷۰).

مأخذ: آقازرگ، طبقات اعلام الشیعة، قرن ۷، به کوشش علی نقی منزوی، بیروت، ۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۲ م؛ ابن طاووس، عبدالکریم بن احمد، فرحة القری، نجف، ۱۳۶۸ ق؛ ابن طاووس، علی بن موسی، الدرر الواقیة، نسخه عکسی موجود در کتابخانه مرکز همو، فتح‌الایوباب، به کوشش حامد خفان، بیروت، ۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۹ م؛ ابن فوطی، عبدالرزاق ابن احمد، تلخیص مجمع‌الآداب، به کوشش مصطفی جواد، دمشق، ۱۳۸۲ ق / ۱۹۶۲ م؛ افندی، عبدالله، ریاض العلماء، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۴۰۱ ق؛ امین، محسن، اعیان الشیعة، بیروت، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م؛ حر عاملی، محمد بن حسن، امل‌الآمل، به کوشش احمد حسینی، بغداد، ۱۳۸۵ ق؛ خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات، قم، ۱۳۵۱ ش؛ سلیم بن قیس هلالی، کتاب، بیروت، دارالفتون؛ فیض کاشانی، مولی محسن، علم‌الیقین، قم، ۱۴۰۰ ق؛ همو، المحجة البيضاء، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، ۱۳۸۳ ق؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م؛ مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، نسخه عکسی موجود در کتابخانه مرکز نوری، حسین، ستدرک الوسائل، تهران، ۱۳۲۱ ق؛ ورام بن ابی فراس، تنبیه الخواطر، قم، ۱۳۷۵ ق.

بخش فقه، علوم قرآنی و حدیث

ابن نوح سیراقی، ابوالعباس احمد بن علی بن محمد بن احمد ابن عباس بن نوح، محدث، رجال‌شناس و فقیه امامی در سده‌های ۴ و ۵ ق / ۱۰ و ۱۱ م. علت انتساب وی به سیراف (از شهرهای فارس) همچون دیگر جزئیات زندگی وی روشن نیست، ولی در منابع تصریح شده که در بصره اقامت داشته است (نجاشی، ۸۶؛ طوسی، الفهرست، ۳۷). به هر حال با بررسی اسانید روایات اومی توان به اطلاعاتی کلی در خصوص زندگی او دست یافت. اگر در مورد روایت مستقیم ابن نوح از محمد بن بحر رهنی سجستانی (د پیش از ۳۳۰ ق) به سبب فاصله زمانی طولانی (تقریباً ۸۰ سال) میان مرگ آن دو (نک: نجاشی، ۳۸۴؛ قس: ابن حجر، ۸۹/۵) و نیز در مورد استماع وی از احمد بن حمدان قزوینی در ۳۲۲ ق به جهت احتمال افتادگی واسطه (نک: طوسی، رجال، ۴۴۹؛ قس: نجاشی، ۳۷۳)، تردید روا داریم، باز